



## آیا زمان تغییر جبهه مقاومت به سمت قفقاز و آناتولی فرا نرسیده است؟

بی توجهی حکومت های گذشته به محورهای مقاومت در منطقه قفقاز و آناتولی، سبب ظهور و بروز عنصرها و هویت های بیگانه ای در این مناطق شده و از همه بدتر اینکه، به دنبال تقریر تاریخ و هویتی جدید هستند و صاحب خانه را غریبه می پندارند!

به گزارش آران نیوز، وقتی موضوع «مقاومت» مطرح می شود، «جبهه مقاومت اسلامی» در منطقه غرب آسیا به ذهن متبادر می شود؛ این درحالیست که جبهه مقاومت، تنها بخشی از گفتمان مقاومتی است که همواره فراگیر بوده و حوزه های مختلف سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران زمین را دربرمی گیرد.

به هر حال، در این مقال، تلاش شده است گفتمان های مقاومت در حوزه سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد؛ آنهم به این دلیل که به نظر می رسد علی & rlm؛ رغم اینکه ما جبهه های مقاومت تاریخی متعددی در سرزمین های ایران زمین داشتیم و اساساً تغییر و تحولات ساختار هویتی و سیاسی بیشتر متأثر از همین جبهه ها و گفتمان های مقاومت بوده است، در شناسایی، تقویت و توسعه این محورها به نوعی غفلت نموده ایم & rlm؛ و اساساً به جای بسط گفتمان مقاومت به قبض آن منجر شده ایم. این قبض به ویژه در مناطق آناتولی و قفقاز به مراتب بیشتر بوده است؛ نباید فراموش کنیم که اگر جبهه مقاومت علویان آناتولی نبود، شاید تأسیس دولت صفوی ممکن نمی شد و دولت عثمانی ایران زمین را تصرف می کرد. در قفقاز هم در دوره قاجاریه، به دلیل عدم توجه به محورهای مقاومت و گفتمان تشیع، متأسفانه سرزمین های بیشماری از ایران زمین جدا شد و به تدریج هویت های جدید در این مناطق نفوذ کردند که اینک یک تهدید جدی محسوب می شوند. حکومت های پهلوی اول و دوم هم اولاً دغدغه ای در خصوص گفتمان های مقاومت به ویژه در مناطق قفقاز و آناتولی نداشتند، ثانیاً به دلیل وابستگی و ضعف ساختار سیاسی و هژمونی هولناک امپراطوری شوروی، جرأت ورود به این محورها را باقی نگذاشت.

بعد از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، اگرچه امید می رفت براساس شعار «نه شرقی نه غربی» شاهد ظهور و بروز سیاست های مقاومتی متعددی در چهارگوشه کشور باشیم؛ اما آنچه عیان است پیروزی انقلاب اسلامی ایران، سبب تحولی بنیادین تنها در منطقه غرب آسیا شد و اساساً از دیگر مناطق غافل مانده ایم. اگرچه برخی بر این مدعا هستند که این انتخاب بر اساس اولویت و دیگر دلایل سیاسی و هویتی بوده است؛ اما به نظر می رسد چه این ادعا درست بوده باشد چه اشتباه؛ اینک زمان تغییر جبهه مقاومت از غرب آسیا به قفقاز و آناتولی فرا رسیده است. این مهم به این دلیل است که متأسفانه همانطور که در سطور فوق اشاره شد، بی توجهی حکومت های گذشته به محورهای مقاومت در منطقه قفقاز و آناتولی، سبب ظهور و بروز عنصرها و هویت های بیگانه ای در این مناطق شده و از همه بدتر اینکه، به دنبال تقریر تاریخ و هویتی جدید هستند و صاحب خانه را غریبه می پندارند! (همان ضرب المثل: غریب گلدی پرلی قاچ). لذا، باید برگشت و گفتمان ها و جبهه های مقاومت را دوباره احیا نمود؛ جبهه هایی که هویت راستین خود را در مکتب اهل بیت (ع) و سرزمین های خراسان و ایران زمین جستجو می کنند. تعلل بیش از حد، رخدادهای ناگواری را در منطقه قفقاز و آناتولی رقم خواهد زد و اساساً ستون های جبهه های مقاومت را که تاکنون علی & rlm؛ رغم فشارهای همه جانبه پابرجا مانده است، ویران خواهند کرد. امروز زمان تغییر است... فردا دیر خواهد شد.

**نویسنده:** دکتر حسن صادقیان؛ تحلیلگر مسائل سیاسی